

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۰ • ۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ • ۱۰ نوامبر ۲۰۲۱
سال نوزدهم • شماره ۴۱۴۰ • ۱۲ صفحهاذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۰
اذان صبح فردا ۵:۱۰ • طلوع آفتاب ۶:۳۶

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

مانور بزرگ امداد و نجات زلزله روز گذشته در پارک شرقی شهر کرمانشاه برگزار شد. عکس: فرزاد متنی، فارس

نور نوشت



این روزها سنگ قبر شکستی درگذشتگان که به نیک‌نامی هم مشهورند، به سنتی ناپسند و غیرانسانی تبدیل شده که هرازچندی در گورستانی یا نقطه‌ای از کشور تکرار و خبر ناراحت‌کننده‌اش در رسانه‌ها منتشر می‌شود. عاملان این کار برای انجام اقدامات خود بهانه‌ای می‌تراشند و گاهی هم متوسل به نظر و دیدگاهی فقهی می‌شوند. این افراد اگر به علت فاصله و دوری، دسترسی به آرامستان‌ها برایشان آسان نباشد و عاملان رنج گسیل‌شدن به سوی گورستان‌ها را برنتابند، تابلوه‌ها و هر نام و نشانی را که از این درگذشتگان در منظرشان باشد، هدف قرار می‌دهند و این اقدامات را که نوعی کینه‌جویی و نفرت‌پرانی است، به اوج خود می‌رسانند. پس از شکستن چندباره سنگ قبر شادروان دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت ایران، از شاعر نامی ایران سایه که امید است سایه او بر این روزمروم دراز باشد، شنیدیم و خواندیم که این روش‌های غیراخلاقی سابقه طولانی و بس دراز دارد. سایه می‌گوید وقتی مرتضی کیوان را با آن زجر و شکنجه اعدام کردند، دوستان او هرازچندگاهی یادی از او کرده

یادداشت

نفرت‌پرانی با شکستن سنگ قبرها

تخریب سنگ قبرها می‌کند». برخی بزرگان اهل سنت از کردستان، سیستان و بلوچستان و گلستان با نگارنده تماس گرفتند و با اشاره به این عبارت توضیحاتی درباره باور اهل سنت در این زمینه ارائه دادند. آن‌چنان که عالمان دینی اهل سنت می‌گویند، در نظریه جمهور علمای اهل سنت و در هر یک از مذاهب چهارگانه و زیدی‌ها نه‌تنها سنگ قبر شکنی واجب نیست، بلکه هرگونه اهانت گفتاری و رفتاری نسبت به گورستان‌ها عموماً و گور اشخاص به طور خاص قبیح و مذموم و از مصادیق اهانت به مرده است. گرچه در یک دهه گذشته فرقه موسوم به القاعده و سایر شاخه‌های الهام‌گرفته از آن نظیر داعش بارها به مقابر علما، مشایخ و بزرگان دین اهانت کرده بودند. آنها هر قبری را که مورد اقبال مردم بود، به بهانه شخص پرستی تخریب می‌کردند. چنان‌که می‌دانیم بسیاری از مناطق سنی نشین هم از سوی این گروه‌ها مورد حمله قرار گرفته و از شر آنها در امان نبوده‌اند. با توجه به این امر باید بگوییم تخریب سنگ قبر آرامگاه‌ها واجب نیست، بلکه در همه مذاهب هم مذموم و از مصادیق جنایت است. جا دارد مقامات مسئول هم هوشار بوده و با این نفرت‌برانکن برخورد کنند؛ زیرا اگر چنین اقدامی صورت نگیرد، در میان مردم این شبهه به وجود می‌آید که دستی در پشت پرده هم با اقدامات همراه است.

و بر سر قبرش حاضر و شاخه گلی نثار می‌کردند. چون دشمنان کیوان از مرده او هم می‌ترسیدند و در خواب ابدی هم نام او را برنمی‌تابیدند، هر بار سنگ قبر او را می‌شکستند. به گفته او سنگ‌قبرشکنان دست‌بردار نبوده و این‌کار را ادامه می‌دادند؛ بنابراین دوستان مرتضی کیوان مجبور شدند با گذاشتن نشانی از آرامگاه او مکان گور را مشخص کرده و امکان گردهم‌آمدن دوستان و یاران او را فراهم آورند.

اولین سینه بیدار باغ را

آمیخته به خون طراوت

در خواب برگ‌های تو دیدم

بازی، آرامگاه مرتضی و دیگران سرانجام به سروستان تبدیل شد و دوستانش از جمله سایه به دنبال گور او بودند. در پاسخ به این سؤال که «ای عزیز دل من! تو کدامین سروی»، در چند دهه گذشته پدیده سنگ قبر شکنی دوباره بر سر زبان‌ها افتاده و از گوشه و کنار اخباری از این اقدام به گوش می‌رسد که آخرینش همین ماجرای سنگ قبر دکتر ابراهیم یزدی است. بعد از این رویداد رسانه‌های فراوانی به این ماجرا پرداختند و از جمله «شرق» در ابتدای هفته در یادداشت‌گونه‌ای برای این ماجرا ضمن تشریح آن در پایان گزارش یادآور شده بود که پدیده سنگ قبر شکنی ماجرابی رایج در میان اهل سنت است و چنین بیان شده بود: «در برخی کتب اهل سنت روایتی آمده است که دلالت بر وجوب



صالح نیکبخت

گزارش

پیکر درمبکش به خانه ابدی‌اش بدرقه شد

ما بر دو ما را در اندوه نشانند. استاد کامبیز درمبکش مرد ایده‌های رنگی و کارتونیست جهانی و یکی از مهم‌ترین قله‌های هنر معاصر ایران در ۷۹ سالگی درگذشت و جهان تصویر را ماتم‌زده کرد». عربانی یکی از دوستان درمبکش که جزء سخنرانان بود، متنی از پیش آماده کرده بود که در بخشی از آن آمده است: «او با فخرفروشی رابطه خوبی نداشت و به هنرهای تجسمی آبروی ویژه‌ای داد. او بود که هنر کاریکاتور را به ایران شناساند و با جوایزی که دریافت کرد، باعث شد دروازه موزه‌های مهم جهان به روی آثار او گشوده شوند و نام ایران در میان بزرگان هنر کاریکاتور ثبت شود. او در فاصله کوتاهی از ارسال آثارش به ایران بازگشت و مانند پرده‌ای که به آشیانه‌اش برگشته، به کار در مجله «گل‌آقا» پرداخت و به‌زودی بال و پرش گسترده‌تر تولی شد. نزدیک بود دشمنانی دوست‌نماند استند را به ورطه خطرناکی بیندازند، اما کیومرث صابری دوباره استاد را نجات داد. درمبکش ممنوعیت را برنمی‌تابفت». ابراهیم حقیقی، گرافیست مشهور ایران گفت: «درمبکش همکاران خود را به دکترهایی تشبیه می‌کرد که آسیب‌های جامعه را شناسایی می‌کنند. من درمبکش را با رادیولوژیست‌ها مقایسه می‌کنم که درمانی انجام نمی‌دهند ولی می‌توانند به صورت جزئی، دردها را نشان دهند. در آثار درمبکش باید نگاه کرد و دردها را دید و پرسید چرا ما ندانیم می‌شوند؟». از دیگر حاضران و

مراسم تشییع کامبیز درمبکش در خانه هنرمندان با حضور تعداد زیادی از اهالی فرهنگ و هنر برگزار شد. یاسمین مدقالچی، خواهرزاده درمبکش، به نمایندگی از خانواده این هنرمند سخن گفت و دوستان خارجی‌اش هیکایی مدیرچی از ترکیه و آنجل بولیگان از مکزیک و آرس از کوپا پیام‌هایی به این مراسم فرستاده بودند. مدیرچی در بخشی از پیامش گفت: «ملاقات با کامبیز یکی از افتخارات زندگی‌ام محسوب می‌شود. او مهربان و انسان‌دوست بود» و بولیگان گفت: «اولین بار سال ۲۰۱۱ بود که او را ملاقات می‌کردم. با آثار ظریف، طرح‌های زیبا و هوش و ظرافت در شوخی‌هایش آشنا بودم. خیلی خوشحال شدم از اینکه بالاخره کسی را دیدم که مثل کارهایش دوست‌داشتنی بود. چون همیشه این‌طور نیست. مردی متواضع، مهربان و خوش‌خلق را دیدم که پر بود از مهر و درخشان‌بودی». مدیرچی در پیام آرزویش آمده است: «آثار کامبیز درمبکش را از نوجوانی دنبال می‌کردم و بعدها فرصتی برابرم پیش آمد تا او را ملاقات کنم و ساعاتی در کنار یکدیگر از کار و زندگی صحبت کردیم. نه‌تنها کارتونیست بزرگی بود، بلکه یک انسان بزرگ نیز بود و شنیدن خبر درگذشت او بسیار غم‌انگیز است. اما خوشحالم که کارهایش برای ما باقی ماند و ماندگار خواهد شد». هادی حیدری، مجری این برنامه بود و در ابتدای مراسم گفت: «کرونا استاد کامبیز درمبکش کارتونیست و از هنرمندان پیش‌کسوت را از میان

کودکی

چگونه دانش‌آموزان از مواجهه با کرونا بگویند؟

داده‌اند و حداقل ۱۰ هزار دانش‌آموز به کرونا مبتلا شده‌اند. حالا نویسنده مقاله کاردین می‌پرسد آیا فکر می‌کنیم می‌توان تأثیر این را نادیده گرفت؟ به هر حال، صحبت از تأثیر روانی «سوک همه‌گیر» است. نویسنده مقاله صادقانه بیان می‌کند قبلاً به این موضوع فکر نکرده است و احساس گناه می‌کند و تعجب می‌کند که چرا دولت نیز به این مسئله فکر نکرده است؟ البته این سؤالی است که در یک ماه گذشته، بارها در کشورمان از دولت پرسیده شده و کارشناس بهداشت روان درباره‌اش هشدار داده‌اند. همان‌طور که نویسنده مقاله اشاره کرده، حالا با



تعداد زیادی کودک سرورکار داریم که پدر یا مادرشان دیگر صبح‌ها نیستند تا آنها را برای مدرسه‌رفتن آماده کنند و آنان هر روز با این واقعیت سخت روبرو می‌شوند. شاید یکی از دلایل این بی‌توجهی، بحث رسانه‌ها باشد و اینکه مدام تأکید شد کرونا بیماری سختی برای کودکان نیست؛ اما رسانه‌ها کمتر اشاره کردند که می‌تواند چه تأثیرات عمیق و بزرگی بر کودک داشته باشد. در واقع «چشم‌انداز از دست‌دادن و غم و اندوه با صحبت‌های شاد درباره واکسیناسیون پوشیده شده است. رسانه‌ها در این مدت به مردم القا می‌کنند که جامعه به «حالت عادی بازگشته» که یکی از نشانه‌هایش همین بازگشایی مدارس است؛ اما آیا این واقعیت دارد؟ آیا ما در حالت عادی هستیم؟ آیا ما به حالت عادی بازگشته‌ایم؟ نویسنده مقاله معتقد است این مسئله هم شخصی و هم اجتماعی است و اشاره کرده: «خیلی آسان است که مشکلات شخصی را به حوزه خصوصی بازگردانید، به گونه‌ای که گویی

کاردین مقاله‌ای درباره معلم‌ها و نقش آنها بر بهبود شرایط دانش‌آموزان پس از دوران همه‌گیری منتشر کرده است. در این مطلب که مایکل روزن آن را نوشته، پرسیده شده که آیا در مدارس امکانی برای بحث درباره احساس دانش‌آموزان درباره آنچه در دو سال گذشته رخ داده است، وجود دارد؟ یکی از معلم‌ها این دغدغه را در ذهن او به وجود آورده است. این معلم از او پرسیده که او و همکارانش چه کاری می‌توانند برای کمک به کودکان آسیب‌دیده از همه‌گیری انجام دهند. به عقیده این معلم، بچه‌های کلاسش عمیقاً تحت تأثیر آنچه در این مدت رخ داده، قرار گرفته‌اند. برخی از دانش‌آموزان نگران و گاهی مضطرب هستند و این در رفتار آنها با یکدیگر کاملاً مشهود است. موضوع این است که هنوز تحقیقاتی در این زمینه انجام نشده که مشخص شود آیا این وضعیت برای دانش‌آموزان دیگر وجود دارد یا نه، این تجربه او و چند همکارش در مدارس مختلف است. از نظر نویسنده، به توجهش به این مسئله جلب شده، وقتی بچه‌ها را در زمین بازی مدرسه یا پارک می‌بینیم، به‌راحتی می‌توان تصور کرد که تأثیر این مدت بر آنها وجود دارد؛ آنها در حال دویدن و خندیدن هستند، اما چیزی در درون آنها فرق کرده است. در واقع این مقاله تجربه‌ای برای ما در مدت چند ماه آینده خواهد بود و هشدار می‌دهد که باید حواسمان به دانش‌آموزان باشد. هرچند مدارس متوسطه دوم از چند روز پیش در ایران بازگشایی شده است، اما هنوز معلمان و دانش‌آموزان زیادی از تجربیات خود درباره بازگشت به مدرسه چیزی بیان نکرده‌اند. نویسنده این مقاله که به تجربه انگلیس اشاره کرده، پیشنهاد داده چند سؤال سخت از خود بپرسیم: چه تعداد کودک در سن مدرسه تجربه مستقیم از دست‌دادن خواهر یا برادر، والدین، پدر بزرگ و مادر بزرگ، خویشاوندان نزدیک یا مراقب خود را داشته‌اند؟ چند کودک با کودکی که این تجربه را داشته است، دوست صمیمی هستند؟ چه تعداد از دانش‌آموزان تجربه مستقیم افرادی را داشته‌اند که از اثرات طولانی مدت کووید رنج می‌برند؟ صد هزار؟ ۲۰۰ هزار؟ بیشتر؟ در ایران اعلام شده است که حداقل ۵۱ هزار کودک پدر یا مادر خود را از دست

زیر آسمان ایران

مازوت در پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌ها از یک سو به تولید بیش از حد این ماده و نداشتن مشتری در بازارهای جهانی مربوط است و از سوی دیگر بالانس‌کردن میزان گاز مصرفی در بخش خانگی که در شش ماه دوم سال افزایش خیره‌کننده‌ای پیدا می‌کند. ۲۶ مهر امسال سعید محمودی، مدیرکل حفاظت محیط زیست استان تهران، با تأکید بر اینکه به لحاظ جلوگیری از افزایش آلودگی هوا و حفظ سلامت شهروندان اجازه مصرف سوخت مازوت را به‌هیچ‌وجه نخواهیم داد، تصریح کرد: با برنامه‌ای جدید حتی واحدهایی که دارای سامانه پایش لحظه‌ای هستند یا اقدام به خوداظهاری کرده‌اند، به‌طور روزانه و هفتگی بازدید و رصد خواهند شد. یک ماه از این اظهارنظر نگذشته بود که خبر رسید در شهرهای دیگر ایران سوزاندن مازوت آغاز کند. این‌ها چند روز گذشته به نقل از معاون مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت محیط زیست مازوت‌سوزی در شهرهایی مانند تبریز، مشهد و همدان را تأیید کرد. داریوش گل‌علیزاده درباره مصرف

انتقال مازوت‌سوزی از تهران به شهرستان؟

در یکی، دو سال اخیر آلودگی شدید هوا در شش ماه سال به مسئله‌ای ملی و نگرانی‌ای عمومی بدل شده است. در میان همه عللی که برای آلودگی هوا بیان می‌شود، مسئله استفاده از مازوت در نیروگاه‌های کشور در یک سال اخیر به‌شدت مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته بود. دی‌ماه سال گذشته بود که بیژن زنگنه، وزیر وقت نفت ایران، اعلام کرد چاره‌ای جز سوزاندن مازوت در پالایشگاه‌ها ندارند. عیسی کلاتری هم که در آن زمان معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست بود، در همان روزها گفته بود: «معاون دادستان کل کشور به استان‌ها بخش‌نامه کرده است که شما برای سوزاندن نفت کوره در نیروگاه‌ها و صنایع مانع نشوید؛ یعنی کسی که باید قانون هوای پاک را اجرا کند، از نظر امنیتی به این نتیجه رسیده است که باید این مازوت سوزانده شود». در نهایت سال گذشته مثل سال‌های قبل تعدادی از آلوده‌ترین ماه‌های سال را پشت سر گذاشتیم. ماجرای استفاده بیش از حد

اتفاق



دوپیچه‌وله: مرکز در حال کناره‌گیری از مسئولیت در آلمان در مصاحبه‌ای از دلنگی ترک مسئولیتش گفت. مرکز در پاسخ به این سؤال که در آینده قصد چه کاری را دارد، می‌گوید: «هنوز برنامه‌ای ندارم. ابتدا کمی استراحت می‌کنم تا بعد ببینم چه می‌شود». با این حال مرکز افزود از یک طرف خوشحال است، اما کمی هم احساس حزن و دلنگی به سراسر می‌آید.

دیلی‌میل: وزیر خارجه توالوو برای ضبط سخنرانی خود در اجلاس تغییرات اقلیمی، تا زانو در آب دریا رفت و برای جلب توجه به تغییرات اقلیمی سخنرانی خود را تا انتها در همین حالت ضبط کرد. تصاویری که سیمون کوفی را تا زانو در آب نشان می‌دهد، توجه زیادی در شبکه‌های اجتماعی به خود جلب کرده و بارها همرسانی شد.

سی‌ان‌بی‌سی: بعد از اتفاقات ناگوار دو هفته پیش الک بالدوین خواهان استخدام پلیس در فیلم‌ها شد. بالدوین در توئیت خود نوشت: هر فیلم یا سریال تلویزیونی که در آن از اسلحه‌تقلبی یا غیر آن استفاده می‌شود، باید یک افسر پلیس برای نظارت ویژه و امنیت سلاح‌ها استخدام شود و در محل تولید حضور داشته باشد.

بی‌بی‌سی: در پاکستان یکی از مشاوران نخست‌وزیر گفته با وجود مردان خوش‌قیافه در این کشور نباید از زنان در تبلیغات استفاده کرد. طاهر اشرفی، مشاور ویژه عمران‌خان در امور مذهبی گفته تا جای ممکن زنان نباید در تبلیغات حضور داشته باشند. او همچنین گفته مجرمان جرائم جنسی هم باید با مجازات سنگین روبرو شوند.

ایندی‌وایر: به‌تازگی گزارشی از کریم «کرستن استوارت» در فیلم «اسپنسر» منتشر شده که نشان می‌دهد آماده‌سازی او برای ایفای این نقش هزینه‌های زیادی برای سازندگان داشته است. طبق اعلام واکانا یوشی‌هارا، چهره‌پرداز و آرایشگر موی فیلم «اسپنسر»، برای هرکدام از دو کلاه‌گیس شخصیت دایانا در فیلم تقریباً شش هزار دلار هزینه شده است.

نیویورک تایمز: باراک اوباما که متولد هاوایی است، سخنرانی خود را در کنفرانس جهانی مقابله با تغییرات اقلیمی گلگاسو با این جمله شروع کرد: «من خودم بچه جزیره‌ام» و گفت به کاری که به‌عنوان رئیس‌جمهوری برای همکاری با کشورهای جزیره‌ای انجام داده است، افتخار می‌کند. او گفت کشورهای جزیره‌ای «در برابر تغییرات آب‌وهوایی آسیب‌پذیرتر هستند».